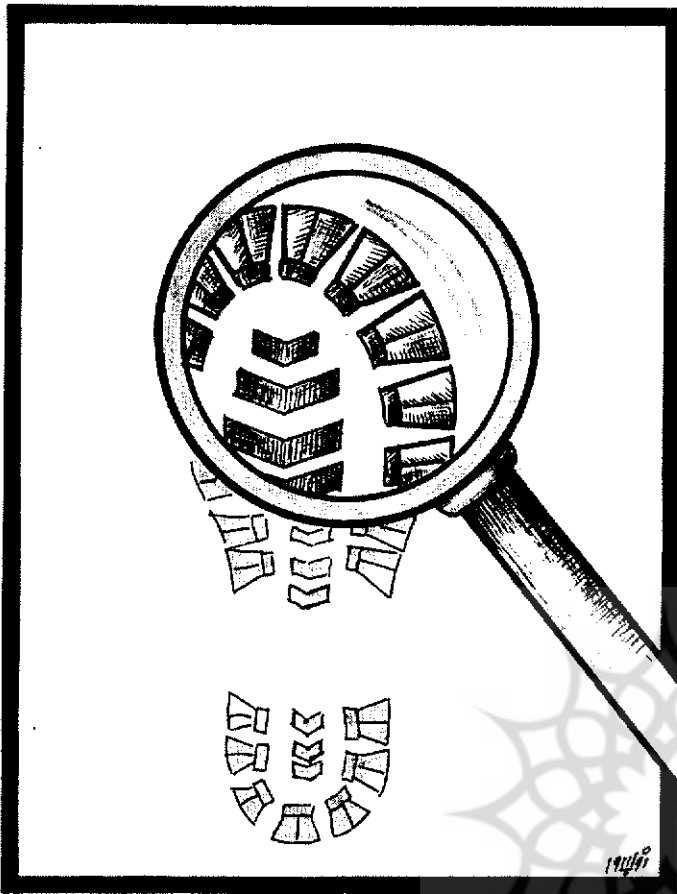


بررسی تطبیقی مقررات هیأت‌های رسیدگی به تخلفات انضباطی در نیروهای مسلح

قسمت پایانی

عبدالکریم کارمزدی

(کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی)



ماده (۱۱۳) قانون استخدامی سپاه فاقد صلاحیتهای پاسداری می‌گردند» را جزو وظایف هیأت‌های بدوی لحاظ کرده‌است که تعارض مواد بدین‌گونه قابل توجیه نیست.

۲ - در ماده (۸) آیین‌نامه انضباطی ماده (۱۱۳) «ق.م.ا.س»، مواردی احصا شده که در صورت صدور احکام قطعی مراجع قضائی در خصوص آنها، فرد نظامی اخراج می‌شود. از جمله این موارد بندهای «د» و «ه» می‌باشند که مقرر داشته‌اند:

د) محکومیت به سبب ارتکاب جرایم ارتشا.

ه) محکومیت به سبب ارتکاب جرایم اختلاس.

لکن با ملاحظه مادتین (۳ و ۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵، که در تبصره "۱" ماده مزبور، آن را ملاک اخراج نظامیان در راستای بندهای «د» و «ه» دانسته و با عطف توجه به مادتین (۹۳ و ۹۴)

یا رأی کمیسیون امور انضباطی موضوع ماده (۱۱۵) این قانون اخراج می‌گردند:

الف) از دست دادن صلاحیت پاسداری برای ادامه خدمت.

ب) ارتکاب تخلفات انضباطی که موجب اخراج فرد از سپاه می‌شود.

ج) ارتکاب جرایمی که علاوه بر مجازات، موجب اخراج فرد از سپاه می‌شود.

مطابق ماده مزبور، صرف از دست دادن صلاحیت پاسداری برای ادامه خدمت، اولاً: موجب اخراج می‌گردد.

ثانیاً: اخراج چنین فردی یا توسط حکم دادگاه صالح است یا از طریق هیأت تجدیدنظر مذکور در ماده (۱۱۵)، لذا بحث معافیت از خدمت را برای از دست دادن صلاحیت پاسداری که در ماده (۱۱۳) قانون مذکور آمده در این ماده مطرح نکرده، مضافاً اینکه بند "ج" آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۴) همان قانون «رسیدگی به وضعیت پرسنلی که مطابق

در سپاه پاسداران: نظر به اینکه در سپاه، آیین‌نامه‌های مواد (۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵) مجزا می‌باشند، بنابراین به صورت تفکیکی مورد بحث قرار می‌گیرند:

آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۳) «ق.م.ا.س»:

۱ - ماده (۱۱۳) «ق.م.ا.س»، بیان داشته است: «سپاه، پرسنلی را که فاقد صلاحیتهای پاسداری مندرج در ماده (۱۶) این قانون شوند، برطبق آیین‌نامه‌ای که توسط ستاد کل سپاه با هماهنگی نمایندگی ولی فقیه در سپاه تهیه و به تصویب فرماندهی کل می‌رسد، اخراج یا معاف از خدمت یا بازخرید می‌نماید.»

حسب این ماده، فقد صلاحیتهای پاسداری مطابق آیین‌نامه‌ای موجب اخراج یا معاف از خدمت می‌گردد. لکن از سوی دیگر در ماده (۱۴۲) همین قانون مطرح شده‌است:

پرسنل در موارد زیر با حکم دادگاه صالح و

«ق.م.ج.ن.م.»، محرز می‌گردد که ملاک اخراج برای جرایم ارتشا و اختلاس، صرف ارتکاب آنها نیست، بلکه بسته به میزان ارتشا و اختلاس دارد. همچنین در بند (ج) ماده مورد بحث، ارتکاب بزه جاسوسی را قید کرده، در صورتی که در بند «الف» آن، ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را مطرح

و «هتک حیثیت سپاه»، و برداشتها و سلیاق مختلف از آنها، شایسته است مصادیق این موارد احصا گردند تا شخص نظامی ضمن اطلاع، از آنها اجتناب نماید و در صورت ارتکاب، اقدام مقتضی معمول گردد.

۵. در ماده (۱۶) آیین‌نامه موضوع ماده (۱۱۳) «ق.م.اس» آمده است:

۱. با ملاحظه ماده (۱۱۲) «ق.م.اس» که تبیهات انضباطی را احصا نموده، شدیدترین آنها، اخراج از خدمت و معافیت از خدمت می‌باشد؛ لکن حسب تبصره «۲» ماده (۱۱۴) قانون مزبور، آرای اصداری هیأت بدوی در خصوص این دو تبیه انضباطی نسبت به نظامیان تا درجه ستوان سومی و

مستند به مادتين (۱۴ و ۱۵) «ق.م.اس»، هیأت‌های بدوی و عالی در سپاه، صالح به رسیدگی در خصوص تبیهات محرومیت از ترفیع و تزلزل درجه نیستند، لیکن مستند به بند «ب» ماده (۵) و بند «الف» ماده (۶) و ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۵) قانون مزبور، رسیدگی به اعتراض آرای هیأت‌های بدوی در این خصوص یا صدور رأی در این موارد، به هیأت عالی معمول گردیده است که این برخلاف قوانین و مقررات مربوط می‌باشد

کرده که در فصل دوم «ق.م.ج.ن.م.»، جاسوسی در عداد جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محسوب شده است.

۳. در ماده (۱۱) آیین‌نامه انضباطی ماده (۱۱۳) قانون مزبور، مواردی مطرح شده که در صورت ارتکاب آن تخلفات توسط پاوران، حسب مورد از خدمت معاف یا اخراج می‌گردند؛ در صورتی که این موارد همان موارد عدم صلاحیت است که در صورت وجود آنها، مستند به ماده (۱۴۲) «ق.م.اس»، فرد از سپاه اخراج می‌گردد و موارد صلاحیت‌آداه خدمت نیز عیناً در ماده (۱۶) قانون مذکور لحاظ شده‌اند. لذا بر این اساس، ذکر معافیت از خدمت در خصوص این موارد در آیین‌نامه مذکور به لحاظ تعارض با ماده (۱۴۲) «ق.م.اس»، فاقد وجه قانونی بوده و قابل اجرا نیست.

۴. ماده (۱۴) آیین‌نامه موضوع ماده (۱۱۳) «ق.م.اس»، مقرر داشته است: «پرسنلی که مرتکب اعمالی که موجب خدشه بر اعتبار و شخصیت پاسداری و هتک حیثیت سپاه می‌باشد، گردند، حسب مورد معاف یا اخراج می‌شوند.»

با عنایت به اصطلاحات و مفاهیم کلی مانند: «خدشه بر اعتبار و شخصیت پاسداری»

«ارتکاب تخلفات انضباطی ذیل با پیشنهاد فرماندهان نیروها و رؤسای سازمانها حسب مورد (در چارچوب آیین‌نامه انضباطی) موجب معاف یا اخراج خواهد شد...»

نظر به اینکه ماده (۱۱۳) «ق.م.اس»، در خصوص از دست دادن صلاحیتهای پاسداری مندرج در ماده (۱۶) قانون مزبور می‌باشد، ذکر این موارد ارتباط با ماده فوق نداشته و مرتبط با ماده (۱۱۴) «ق.م.اس» می‌باشد.

۶. از محاسن آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۳) «ق.م.اس»، ماده (۲۰) آن است که مقرر داشته است: «مفاد این آیین‌نامه ناقض فرامین و مصوبات مقام معظم فرماندهی کل قوا و همچنین ناقض سایر مصوبات قانونی نخواهد بود.»

با عنایت به اینکه آیین‌نامه مورد بحث در سال ۱۳۷۲ به تأیید مقام معظم فرماندهی کل قوا رسیده است، و مستفاد از ماده مذکور که به اصل قانونی بودن تخلف و اعمال تبیه انضباطی اشاره شده است، لذا در مواردی که آیین‌نامه مذکور در تعارض با قانون باشد، مطابق همین ماده اخیرالذکر، قابلیت اجرا نخواهد داشت.

آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۴) «ق.م.اس»:

کارمندان تا رتبه ۱۵، قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد و از سوی دیگر، در تبصره «۲» همان ماده نحوه اعتراض اشخاص ذی نفع به آرای هیأت بدوی مطرح شده است، مضافاً در ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی ماده مزبور آمده است: «کلیه آرای صادره از هیأت‌های بدوی لازم‌الاجرا بوده و در صورت امتناع از اجرا، با متخلف برابر آیین‌نامه انضباطی برخورد می‌گردد.»

این تعارض و تناقض مواد، قابل توجیه نمی‌باشد؛ لکن با عنایت به ترجیح قانون بر آیین‌نامه، ماده (۱۰) آیین‌نامه اجرایی، فاقد وجهت قانونی بوده و قابل اجرا نمی‌باشد.

۲. با توجه به متن ماده (۱۱۴) قانون مزبور که قبلاً نیز متعرض آن شدیم، محرومیت از ترفیع و تزلزل درجه یا رتبه، از شمول صلاحیت هیأت بدوی سپاه خارج بوده و مطابق تبصره «۲» ماده (۱۱۲) قانون موردنظر بایستی عمل نمود. لکن در مسواد (۱ و ۶ و ۱۳) آیین‌نامه ماده (۱۱۴) «ق.م.اس»، این دو را به اشتباه جزو صلاحیت هیأت بدوی سپاه لحاظ نموده است.

۳. در ماده (۲۸) آیین‌نامه اجرایی مزبور آمده است:

«آرای هیأت‌ها در خصوص پرسنل نظامی تا

درجه ستوان سومی و کارمندان تا رتبه ۱۵، قطعی و لازم‌الاجرا بوده و امتناع از اجرا، تخلف محسوب می‌گردد». این ماده از یک سو با ماده (۱۰) همین آیین‌نامه مغایرت دارد؛ چرا که در ماده (۱۰)، کلیه آرای صادره هیأت‌های بدوی را لازم‌الاجرا دانسته، پس تخصیص قائل شدن حسب ماده (۲۸)

خواهد شد.

آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۵) «ق.م.اس»؛
۱ - به‌رغم مطالبی که قبلاً مطرح شد، مستند به مادتین (۱۱۴ و ۱۱۵) «ق.م.اس»، هیأت‌های بدوی و عالی در سپاه، صالح به رسیدگی در خصوص تنبیهات محرومیت از ترفیع و تنزیل درجه نیستند؛ لیکن مستند به

به شکایات واصله به هیأت عالی، یک ماه لحاظ شده که در صورت اجرا از اطلاع رسیدگی جلوگیری می‌شود.

د) مواد (۲۶ و ۲۷ و ۲۸) آیین‌نامه، در صورت داشتن ضمانت اجرا، در راستای ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از تضییع حقوق کارکنان بسیار مناسب است.

در نیروی انتظامی:

۱ - ماده (۲۰) آیین‌نامه مواد (۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ان.ا»، در احصای مواردی که هیأت تجدیدنظر، صالح به رسیدگی می‌باشد، دو مورد را ذکر کرده‌است؛ در حالی که در موارد دیگر به شرح ذیل صلاحیت رسیدگی دارد:

الف) مستند به تبصره ذیل ماده (۱۰۶) «ق.م.ان.ا»، تعویق بازنشستگی حداکثر به مدت سه سال در مواقع استثنایی و حسب ضوابط دیگر.

ب) مستند به ماده (۱۰۷) «ق.م.ان.ا»، اعاده به خدمت کارکنان بازنشسته واجد شرایط در موارد استثنایی و حسب مقررات مربوطه.

ج) مستند به ماده (۱۲۳) «ق.م.ان.ا»؛ - رسیدگی به اعتراض در مورد بازنشستگی یا بازخریدی کارکنانی که تا چهارسال پس از حداقل مدت توقف در درجه یا رتبه، صلاحیت نیل به ترفیع رانداشته باشند.

- رسیدگی به اعتراض در مورد بازنشستگی یا بازخریدی کارکنانی که فاقد توانایی لازم برای انجام وظایف متناسب با درجه یا رتبه و تخصص مربوطه باشند.

- رسیدگی به اعتراض در مورد بازنشستگی یا بازخریدی کارکنانی که ادامه خدمت آنها به مصلحت نیروی انتظامی نباشند.

۲ - از جمله محاسنی که در آیین‌نامه مواد (۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ان.ا» می‌توان به آنها اشاره نمود، به شرح ذیل می‌باشند:

الف) در ماده (۱) آیین‌نامه، وظایف هیأت بدوی احصا شده‌اند.

ب) در مادتین (۵ و ۲۲) آیین‌نامه،

با توجه به مادتین (۹۳) و (۹۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، ممرز می‌گردد که ملاک افراج برای جرایم ارتشا و اختلاس، صرف ارتکاب آنها نیست، بلکه بسته به میزان ارتشا و اختلاس دارد

آیین‌نامه برچه مبنایی است؟ از سوی دیگر، نیز با تبصره ۲۳ ماده (۱۱۴) «ق.م.اس» ناهماهنگ است؛ چرا که در آن تبصره صرفاً آرای صادره هیأت بدوی مبنی بر افراج یا معافیت از خدمت نظامیان تا درجه ستوان سومی و کارمندان تا رتبه ۱۵، قطعی ذکر شده‌است، نه کلیه آرای اصرداری آن هیأت. علاوه بر این، در مادتین (۳۳ و ۳۶) آیین‌نامه موردنظر، اعتراض به آرای هیأت بدوی و نحوه آن را بیان داشته‌است، که با توجه به تبصره ۷ ماده (۱۱۴) «ق.م.اس» تعارض مواد بیشتر آشکار می‌شود.

۵ - محاسنی که برای آیین‌نامه ماده (۱۱۴) «ق.م.اس» می‌توان برشمرد، عبارتند از:

الف) در مادتین (۶ و ۹) این آیین‌نامه، مواردی که هیأت بدوی صالح برای رسیدگی به آنهاست، احصا شده‌اند.

ب) در ماده (۱۶) آیین‌نامه، تشکیل جلسات هر دو هفته یکبار و نیز تشکیل آن در مواقع ضروری ذکر شده‌است.

ج) در ماده (۲۶) آیین‌نامه قطعی یا قابل اعتراض و تجدیدنظر بودن آرا، قید شده‌است.

د) مطابق ماده (۳۰) آیین‌نامه، تشدید تنبیه مطابق ضوابطی در صورت لزوم اعمال

بند "ب" ماده (۵) و بند "الف" ماده (۶) و ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۵) قانون مزبور، رسیدگی به اعتراض آرای هیأت‌های بدوی در این خصوص یا صدور رأی در این موارد به هیأت عالی محول گردیده‌است که این برخلاف قوانین و مقررات مربوط می‌باشد.

۲ - بند "ک" ماده (۵) آیین‌نامه مذکور، رسیدگی به وضعیت پرسنلی که فاقد صلاحیت‌های پاسداری مندرج در ماده (۱۶) قانون استخدامی سپاه شوند، را در صلاحیت هیأت عالی قرار داده‌است؛ درحالی‌که در بند "ج" ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۴) «ق.م.اس»، این مسئله در صلاحیت هیأت بدوی لحاظ شده‌است.

۳ - از محاسنی که در این آیین‌نامه می‌توان به آنها اشاره نمود، عبارتند از:

الف) در مادتین (۵ و ۶) آیین‌نامه، مواردی که هیأت عالی می‌تواند رسیدگی نماید، مطرح شده‌اند.

ب) در مادتین (۱۳ و ۱۴) آیین‌نامه، رسمیت جلسات هیأت عالی با حضور ۲۳ تن از اعضا و تصمیمات آن با اکثریت آرای حاضرین معتبر است.

ج) در ماده (۲۳) آیین‌نامه، زمان رسیدگی

رسمیت جلسه هیأت بدوی یا عالی با حداقل چهار نفر و الزامی بودن حضور نماینده سازمان قضائی یا رئیس سازمان قضائی یا جانشین وی پیش بینی شده است.

ج) در ماده (۶) آیین نامه، برگزاری جلسات هیأت بدوی هر دو هفته یکبار و تشکیل جلسات در مواقع ضروری مقرر گردیده است. د) در ماده (۱۵) آیین نامه، اعمال تخفیف، مورد توجه واقع شده و در ماده (۱۶) آن عوامل مخفیه مطرح شده اند.

ه) در ماده (۱۹) آیین نامه، اعتبار امر مختومه لحاظ شده و طبق آن، تخلفی که قبلاً رسیدگی و رأی برائت در باره اش صادر یا تنبیه لازم اعمال گردیده، نمی توان مجدداً آن را مطرح یا متخلف را تنبیه نمود.

و) در ماده (۴۴) آیین نامه، جرایمی که توسط محاکم، مورد رسیدگی واقع و حکم قطعی صادر می شود، ذکر گردیده اند؛ لکن به گونه ای تدوین شده که خلاف قانون نمی باشد.

ز) ماده (۴۵) آیین نامه، آرای هیأت های بدوی و تجدیدنظر را در صورتی که یکی از اعضای آن هیأتها متوجه اشتباه در صدور رأی شود و اکثریت نیز آن را تأیید نمایند، قابل رسیدگی مجدد توسط همان هیأت دانسته است.

به نظر می رسد که با توجه به تصویب آیین نامه اجرایی مواد (۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ا.ا.» در سال ۱۳۷۵، ضمن اطلاع از ضعف های آیین نامه های اجرایی ارتش و سپاه و اجتناب از آنها، موارد تکمیلی نیز به آیین نامه افزوده شده است.

آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح:

ابتدا مواد مربوط به بحث مطرح خواهند شد و سپس به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

ماده (۱۱۷) از فصل سیزدهم آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، تنبیهاتی که به دلیل ارتکاب تخلفات انضباطی پایوران قابل اعمال می باشند را احصاء نموده است و ماده (۱۳۵) همین فصل مقرر داشته است:

«رسیدگی به تخلفات پرسنلی که فرمانده نیروی مربوطه برای آنان پیشنهاد محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه، معافیت از خدمت یا اخراج از خدمت می دهد و همچنین رسیدگی به شکایات پرسنل از رده های بالاتر در امور خدمتی در هیأت های مندرج در مواد (۱۰۴ و ۱۰۵) قانون ارتش و هیأت های مشابه در ستاد فرماندهی کل قوا، سپاه و نیروی انتظامی به عمل می آید.

تبصره - ذی نفع نسبت به آرای قابل اجرای هر دو هیأت (هیأت مندرج در مواد «۱۰۴ و ۱۰۵» قانون ارتش و هیأت های مشابه در ستاد فرماندهی کل قوا، سپاه و نیروی انتظامی) می تواند به مراجع صالحه قضائی تظلم نماید.»

در ماده مزبور، علاوه بر طرح نحوه شکایت از رده های بالاتر در امور خدمتی که در مادتين (۱۰۴ و ۱۰۵) «ق.ا.ج.ا.»، نیز ذکر شده است، اشاره به مقررات و ضوابط مشابه در سپاه

مقام معظم رهبری:

آیین نامه هایی که از طرف ستاد فرماندهی کل ارائه می شود، با این فرض مورد تصویب قرار می گیرد که با قانون منطبق و در چار چوب آن است مگر در مواردی که در متن آیین نامه، اشاره به ماده استنادی برای اختیارات فرماندهی کل قوا شده باشد

و نیروی انتظامی نموده است.

چنانچه در مباحث پیشین گفته شد، آیین نامه ها بایستی دارای دو خصیصه باشند: الف) تصویب آیین نامه پس از قانون مربوط.

ب) هماهنگ و در راستای قانون ذی ربط.

لذا هرگاه آیین نامه ای پس از قانونی تصویب گردد، لکن معارض و مغایر با آن باشد، فاقد وجاهت و اعتبار می باشد و قابل اجرا نخواهد بود. براین اساس، به لحاظ اینکه قانون ارتش جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ بوده و آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح نیز در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۲۰ به تأیید مقام معظم فرماندهی کل قوا رسیده است و دو مورد مزبور نیز در آن مراعات شده، لازم الاجرا می باشد.

مستند به ماده (۹۶) «ق.م.ا.ا.» که مقرر داشته است:

«پرسنل نیروی انتظامی از نظر انضباطی تابع آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح (مصوب فرماندهی کل قوا) می باشند.»

لذا حسب این ماده و با عنایت به عدم تعارض و مغایرت آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح با قانون نیروی انتظامی، در این خصوص نیز مجری و ساری است لکن این مهم در خصوص پایوران سپاه به دلایل ذیل قابل بحث و مورد تأمل می باشد:

۱ - قانون سپاه پاسداران در سال ۱۳۷۰ تصویب شده است. به عبارت دیگر، قانون سپاه نسبت به آیین نامه انضباطی متأخرالتصویب می باشد.

۲ - در پاره ای از موارد، آیین نامه انضباطی با قانون سپاه مغایرت دارد از جمله:

الف) در بند «۸» جداول تنبیهات و ماده (۱۳۵) آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، صدور آرا مبنی بر محرومیت از ترفیع و تنزیل درجه یا رتبه را پس از پیشنهاد فرمانده در خصوص تخلفات کارکنان در صلاحیت هیأت بدوی و تجدیدنظر، آن را در صلاحیت هیأت عالی سپاه دانسته است. در حالی که با عنایت به فصول قبل و مستند به تبصره «۲» ماده (۱۱۲) «ق.م.ا.ا.»، دو تنبیه (محرومیت از ترفیع و تنزیل درجه یا رتبه) بسته به درجه یا رتبه شخص متخلف، توسط فرمانده مربوطه اعمال خواهد شد؛ مضافاً این که، مطابق

مادتین (۱۱۴ و ۱۱۵) «ق.م.اس»، دو تنبیه مزبور جزو صلاحیت هیأت‌های بدوی و عالی لحاظ نشده‌اند.

ب) مادتین (۱۳۵ و ۱۳۸) آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، نحوه رسیدگی به شکایات کارکنان از رده‌های بالاتر در امور خدمتی و همچنین نحوه رسیدگی به اعتراض شکایتی که به شکایت خود باقی باشند، و نیز رسیدگی به اعتراض آرای صادره هیأت‌های بدوی را با رعایت مادتین (۱۰۴ و ۱۰۵) «ق.ا.ج.ا»، و هیأت‌های مشابه در سپاه و نیروی انتظامی مطرح کرده، درحالی که در مباحث تطبیقی مربوط به صلاحیت‌های هیأت‌های بدوی و تجدید نظر، مشخص گردید که صلاحیت این هیأت‌ها در سپاه تا حدود زیادی با صلاحیت هیأت‌های ارتش و نیروی انتظامی در این خصوص متفاوت می‌باشند.

۳- با عنایت به تعارض مزبور و با لحاظ اینکه در زمان تصویب قانون سپاه در سال ۱۳۷۰، قانونگذار، آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح را که در سال ۱۳۶۹ به تصویب فرماندهی معظم کل رسیده، در اختیار و نسبت به آن اشراف و آگاهی کامل داشته؛ لکن به‌رغم آن، با علم و اطلاع چنین قانونی را تصویب کرده‌است و چه بسا مصالحی را مد نظر قرار داده که اعمال تنبیهات محرومیت از ترفیع و تنزیل درجه یا رتبه را از شمول صلاحیت هیأت‌های بدوی و عالی سپاه خارج دانسته و آن را به‌عهده فرماندهان ذی‌ربط گذاشته است. با توجه به نکات مذکور، آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح و همچنین بعضی از مواد آیین‌نامه‌های اجرایی مواد (۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵) «ق.م.اس»، با صراحت قانون، نه تنها همخوانی نداشته که معارض هم می‌باشند، لکن توجه به این نکته مهم و اساسی ضروری است که آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح و آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۳) «ق.م.اس» و آیین‌نامه اجرایی مواد (۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ن.ا» که به تصویب مقام

معظم فرماندهی کل قوا رسیده‌اند، در صورت تعارض موادی از این آیین‌نامه‌ها با قانون مربوط، تکلیف چیست؟

نظر به اینکه در بعضی از مواد قانونی در نیروهای مسلح، آیین‌نامه اجرایی آن مواد پس

هرگاه آیین‌نامه‌ای پس از قانونی تصویب گردد، لکن معارض و مغایر با آن باشد، فاقد وجاهت و اعتبار می‌باشد و قابل اجرا نخواهد بود

از تصویب مقام معظم فرماندهی کل قوا لازم‌الاجرا لحاظ شده‌اند، از جمله در ماده (۱۰۱) «ق.ا.ج.ا» و مادتین (۱۱۰ و ۱۱۳) «ق.م.اس» و تبصره ۲* ماده (۱۰۱) «ق.م.ن.ا»، که به نظر می‌رسد تدوین و تصویب مواد بدین نحو شایسته نباشد؛ زیرا:

۱) قوانین توسط نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تصویب می‌گردند و آیین‌نامه‌های اجرایی به لحاظ اینکه نسبت به قانون ذی‌ربط در مقام مادون می‌باشند، تصویب آنها با شأن‌والا و جایگاه رفیع ولایت و فرماندهی کل قوا مناسب نیست.

۲) تدوین و تنظیم این آیین‌نامه‌ها توسط کارشناسان مربوط می‌باشد، و بعضاً به دلیل عدم تسلط کافی و عدم مذاقه لازم، نواقص و تعارضاتی در آیین‌نامه‌های اجرایی با قانون مطرح خواهد شد.

۳) تصویب آیین‌نامه توسط مقام معظم فرماندهی کل قوا، باعث خواهد شد که اگر احياناً آن آیین‌نامه‌ها مورد نقادی کارشناسان دست‌اندرکار و دلسوز واقع گردد تا حق و حقوقی از افراد یا بیت‌المال تزییع نگردد،

از سوی بعضی از مجریان ناوارد مورد بی‌مهری قرار گرفته و بدون استدلال منطقی و استناد قانونی، با خرج کردن از اعتبار و حیثیت مقام معظم فرماندهی کل قوا، قصد ساکت کردن طرف مقابل را داشته باشند که این دفاع نامعقول، غیرمستقیم به شأن و جایگاه‌والای ولایت امر خدشه وارد می‌آورد، در حالی که قطعاً معظم‌له، نه تنها با این شیوه موافق نبوده، بلکه کراً بر رعایت و اجرای قانون و عدم تخطی از آن تأکید داشته‌اند، چنانکه فرموده‌اند:

«... مواظب باشید کارتان سرسوزنی از معیار قانونی تخطی نکند، نظریات و سلاقی شخصی را بگذارید کنار...».

۴) ماده (۲۰) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۱۳) «ق.م.اس» که مصوب فرماندهی معظم کل قوا می‌باشد، مقرر داشته:

«مفاد این آیین‌نامه ناقض فرامین و مصوبات مقام معظم فرماندهی کل قوا و همچنین ناقض سایر مصوبات قانونی نخواهد بود»، که در این ماده نیز تأکید بر عدم تعارض آیین‌نامه با قانون شده‌است.

۵) نظر به اینکه مقام معظم رهبری علاوه بر ولایت امر، حسب اصل (۱۱۰) قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح را نیز برعهده دارد و مستند به همین اصل قانون اساسی می‌تواند این مسئولیت را به دیگری تفویض نماید، چنانچه در برهه‌ای از زمان، حضرت امام رضوان‌ا... تعالی علیه، آن را به دیگری محول نمود؛ لذا در صورت تفویض به دیگری به لحاظ دارا بودن اختیارات بسیار، ممکن است مشکل ساز و توالی فاسد به دنبال داشته باشد، چنان که در مقطعی حساس شاهد آن بودیم.

۶) معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری وقت، استعلامی به شماره مورخ ۴۷۲۹۲/۴۰۵ مورخ ۷۵/۵/۲۸ از ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری به شرح ذیل داشته‌است:

«نظر به اینکه آیین‌نامه برخی از قوانین

قوانین و مقررات را مطرح کرده که موضوع ماده (۲۳) «ق.م.ج.ن.م.» می‌باشد.

۲- در بند «و» ماده مذکور، بحث تمارض را مطرح نموده که موضوع ماده (۳۳) «ق.م.ج.ن.م.» می‌باشد.

۳- در بند «ط» ماده مورد نظر، بحث گزارش خلاف واقع و کتمان حقیقت را داشته که موضوع ماده (۵۷) «ق.م.ج.ن.م.» می‌باشد.

۴- در بند «ل» ماده صدرالاشارة، بحث تسلیم مدارک و اسناد به افرادی که حق دریافت آن را ندارند، نموده که موضوع ماده (۱۳ و ۱۴) «ق.م.ج.ن.م.» می‌باشد.

۵- در بند «ن» و «ص» ماده مذکور، بحث عدم به کارگیری توان و امکانات دفاعی جهت انجام مأموریت در مقابل دشمن را داشته که موضوع ماده (۱۶) «ق.م.ج.ن.م.» می‌باشد.

ب) در ماده (۱۱۷) آیین نامه انضباطی، تنبیهاتی که به علت تخلفات کارکنان اعمال خواهد شد را ذکر نموده است، لکن نحوه اجرا و تقدم و تاخر اعمال آنها مطرح نشده است؛ لذا می‌توان در بدو امر بدون رعایت ترتیب تنبیهات، حسب نظر و سلیقه شخصی فرمانده، تنبیه نامتناسبی را به مرحله اجرا درآورد.

ج) در ماده (۱۰۴) «ق.ا.ج.ا.» و مادتين (۱۱۴ و ۱۱۵) «ق.م.اس.» و ماده (۹۹) «ق.م.ان.ا.»، پیشنهاد معافیت و اخراج از خدمت کلیه نظامیان را به عهده فرماندهی نیرو گذاشته است، لکن با مذاقه در بند "۱۲" جدول، حداکثر اختیارات در مورد تنبیهات برای مقام فرماندهی نیرو تا حد درجات سرتیپ دومی، قائل و پیشنهاد معافیت و اخراج از خدمت شده است و درجات بالاتر از آن را مستثنا نموده است. مضافاً در بند "۱۳" آن، برای فرمانده کل سپاه و فرماندهی نیروی انتظامی آن را تا درجه سرهنگی محدود ساخته است که اینها برخلاف قانون می‌باشد؛ به علاوه آنکه مشخص نکرده است که پیشنهاد اخراج یا معافیت از خدمت درجات

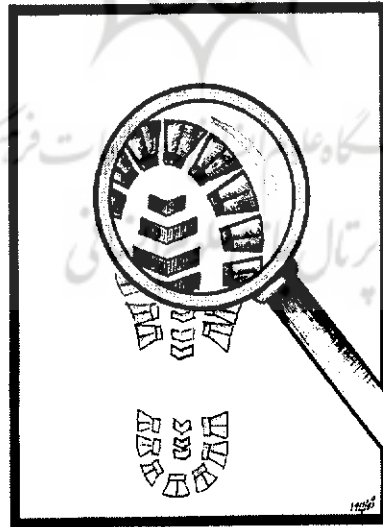
قوانین ارتش و سپاه و نیروی انتظامی قابل اجرا می‌باشد، در آن صورت آیین نامه مربوط نه تنها غیرقانونی نبوده بلکه عیناً مطابق مقر قانون می‌باشد. در این راستا ماده (۱۹۹) «ق.ا.ج.ا.»، به عنوان نمونه مطرح می‌گردد:

«بدیهی است اختیارات فرماندهی کل، محدود به موارد مصرحه در این قانون نمی‌باشد. همچنین در کلیه مواردی که در این قانون صدور دستور یا تصویب امری از سوی فرماندهی کل در پی ارائه پیشنهاد از سوی مقامات یا مراجع دیگر ذکر شده است، اخذ تصمیم ایشان منحصر به ارائه پیشنهادها می‌موزور نخواهد بود.»

در هر صورت، نظر و دستور فرماندهی معظم کل قوا، ملاک اصلی در انجام کلیه امورات در نیروهای مسلح خواهد بود.

۸) از موارد دیگری که می‌توان به عنوان نقص یا اشکال در آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح مطرح کرد، عبارتند از:

الف) در ماده (۱۱۶) آیین نامه انضباطی،



تخلفات انضباطی را احصا نموده است که پاره‌ای از آنها نیز در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به عنوان جرم لحاظ شده‌اند که مجازات، مترتب بر آنها می‌باشد نه تنبیه انضباطی؛ از جمله:

۱- در بند «ز» ماده مزبور، بحث تخلف از

خدمت مقام معظم رهبری ارائه و مورد موافقت معظم له واقع می‌شود و در تطبیق آیین نامه ابلاغی با قانون این مسئله مطرح است که:

آیا موافقت مقام معظم رهبری متضمن این معنی نیز هست که آیین نامه ولو آنکه مغایر با قانون استنادی باشد به اجرا درآید یا اینکه موافقت معظم له بنا به فرض مطابقت آیین نامه با قانون ابلاغ شده است؟

براین اساس، دفتر مقام معظم رهبری پاسخ را ضمن شماره ۱/۳۳۵۸۰ چنین مرقوم فرمودند:

سلام علیکم:

نامه شماره ۴۷۲۹۲/۴۰۵ مورخ ۷۵/۵/۲۸ جناب عالی در خصوص موافقت مقام معظم رهبری «مدظله العالی» با آیین نامه‌هایی که بعضاً برخلاف قانون استنادی تنظیم شده است، به استحضار معظم له رسید، فرمودند:

بسمه تعالی

«آیین نامه‌هایی که از طرف ستاد فرماندهی کل ارائه می‌شود با این فرض مورد تصویب قرار می‌گیرد که با قانون منطبق و در چارچوب آن است مگر در مواردی که در متن آیین نامه، اشاره به ماده استنادی برای اختیارات فرماندهی کل قوا شده باشد (رجوع شود به ماده مزبور در قانون ارتش و سپاه)».

با عنایت به استعلام مذکور و پاسخ صریح مقام معظم فرماندهی کل قوا، آیین نامه‌های اجرایی مواد قانون در صورت مغایرت با قانون، در وهله اول و ابتدای امر قابل اجرا نیست مگر اینکه در آیین نامه، استناد به ماده مربوط در قوانین ارتش (ماده ۱۹۹) و سپاه (ماده ۲۲۸) و نیروی انتظامی (ماده ۲۰۱) در خصوص عدم محدود شدن اختیارات فرماندهی معظم کل قوا شده باشد که در آن صورت، آن آیین نامه نیز در حکم قانون می‌باشد.

۷) آنچه در بند "۶" مطرح شد، مبنی بر اجرای آیین نامه‌ای (هرچند برخلاف قانون) که به تصویب مقام معظم فرماندهی کل قوا برسد، در صورت استناد به ماده ذی ربط در

سرتیپ دومی و بالاتر در صورت لزوم به عهده چه مقامی می باشد.

نتیجه و ارائه راهکار:

از مجموع این نوشتار در مباحث گذشته، می توان به اهم نکات آن به شرح ذیل اشاره نمود:

۱) در خصوص هیأت های بدوی و تجدیدنظر (عالی) در نیروهای مسلح، به صورت کلی هشت ماده وجود دارد. مادتهای (۱۰۴ و ۱۰۵) «ق.ا.ج.ا.» و مواد (۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۵) «ق.م.ا.س.» و مواد (۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ا.ن.»؛ لکن در مجموع، یکصد و هجده ماده در قالب آیین نامه اجرایی تصویب شده است. (آیین نامه اجرایی مربوط به هیأت های بدوی و تجدیدنظر در ارتش ۴۵ ماده، در سپاه ۹۶ ماده و در نیروی انتظامی ۴۷ ماده می باشد.) به عبارت دیگر، در خصوص چند ماده، این همه مواد تدوین و تصویب گردیده آن هم با اشکالات و مسائل فراوان مربوط به خود، با این وصف، پاره ای از مواد آیین نامه ها با قانون مغایرت داشته، بعضی از آن مواد به کرات مواردی که در قانون ذی ربط آمده، مثل ذکر اعضای تشکیل دهنده هیأت ها، پرداخته که غیر ضروری می باشد و غالب مواد آیین نامه ها نیز مشابه هم می باشند.

۲) در متن بعضی از مواد قانون، قید شده که آیین نامه مربوط پس از تدوین و تصویب آن توسط مقام معظم فرماندهی کل به اجرا گذارده می شود (مانند: مواد ۱۱۰ «ق.ا.ج.ا.» و ۱۱۳ «ق.م.ا.س.» و ۹۶ «ق.م.ا.ن.» و تبصره آن)، با عنایت به مباحث مطرح شده در نقد آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، شایسته است تصویب آیین نامه های اجرایی بر عهده مقامات ذی ربط دیگر بجز مقام معظم فرماندهی کل قوا قرار داده شود (از قبیل رئیس ستاد کل یا ستاد مشترک نیروهای مسلح یا فرماندهان کل ارتش، سپاه و نیروی انتظامی)، تا ضمن حفظ جایگاه و موقعیت فرماندهی معظم کل قوا و درگیر نکردن

معظم له با آیین نامه اجرایی، به راحتی و بدون دغدغه خاطر و بی هیچ شائبه ای بتوان این گونه آیین نامه ها را مورد نقد و بررسی قرار داده و در صورت لزوم نیز نسبت به جرح و تعدیل و اصلاح آنها اقدام نمود و این پیشنهاد قابل اجرا می باشد. چنانکه در مواد قانونی دیگر، مشابه آن مطرح شده است که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف) تبصره ۲ ماده (۱۰۵) «ق.ا.ج.ا.»:

«چگونگی تشکیل و نحوه رسیدگی هیأت های رسیدگی و هیأت تجدیدنظر به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به وسیله ستاد مشترک با هماهنگی وزارت دفاع و همکاری نیروهای سه گانه تهیه و به تصویب شورای عالی دفاع برسد.»

ب) ماده (۱۹۸) «ق.ا.ج.ا.»:

«غیر از مواردی که در این قانون برای تهیه آیین نامه های اجرایی، مرجع خاصی مشخص شده است، ستاد مشترک و وزارت دفاع می توانند در موارد دیگری که ضروری تشخیص می دهند نیز دستورالعملها و روش های اجرایی مربوط را تهیه و به موقع اجرا بگذارند.»

ج) ماده (۲۲۷) «ق.م.ا.س.»:

«غیر از مواردی که در این قانون برای تهیه آیین نامه، مرجع خاصی مشخص شده است، سپاه می تواند در موارد دیگری که ضروری تشخیص دهد نیز دستورالعملها و روش های اجرایی تهیه و بعد از تصویب فرماندهی کل سپاه به مورد اجرا بگذارد.»

د) ماده (۱۹۱) «ق.م.ا.ن.»:

«غیر از مواردی که در این قانون برای تهیه آیین نامه های اجرایی، مرجع خاصی مشخص شده است، نیروی انتظامی می تواند در موارد دیگری که ضروری تشخیص می دهد نیز دستورالعملها و روش های اجرایی مربوط را تهیه و پس از تأیید وزیر کشور به موقع اجرا بگذارد.»

بنابراین، اصلاح قانون در این راستا و عدم تصویب آیین نامه های اجرایی توسط

فرماندهی معظم کل قوا و تصویب کلیه آیین نامه ها توسط سایر مسئولین ذی ربط، نه تنها مشکل اجرایی خاصی را ایجاد نخواهد کرد، بلکه برای تدوین آیین نامه های دقیق و کارشناسانه مفید خواهد بود.

۳) شایسته است مسئولین ذی ربط در راستای تنظیم و تدوین آیین نامه ها، صرف نظر از عناوین رسمی سازمانی افراد، از کارشناسان خبره و دست اندرکاران امور اجرایی و آشنا به مسائل حقوقی و نظامی دعوت به عمل آورند، تا ضمن رعایت بهتر شدن حقوق اعضای نیروهای مسلح و حقوق بیت المال، کمتر شاهد تعارض آیین نامه ها با قوانین و نقص و ابهام آنها باشیم.

۴) کارشناسان و اهل خبره ای که مساعی لازم را مصروف تنظیم و تدوین آیین نامه ها می نمایند، ضمن دقت لازم در اجتناب از مطالب تکراری و غیر ضروری سعی بر مختصر و موجز بودن آیین نامه ها داشته باشند؛ زیرا گستردگی و حجم زیاد آنها، نه تنها حسن نیست که موجب تخلف زایی نیز خواهد شد، و از سوی دیگر، از بیان مطالب کلی و مبهم خودداری گردد و در صورت لزوم، مصادیق مربوط نیز ذکر شود تا راه تفسیرهای تنگ نظرانه و برداشتها و سلاقی شخصی مسدود گردد.

۵) با عطف توجه به مطالب مربوط به تعارض آیین نامه ها با قانون، مجریان ذی ربط اولویت و ترجیح را به اجرای قانون داده و از اعمال آیین نامه های مغایر با قانون به طور جدی امتناع نمایند و در صورت ابهام در این خصوص، موضوع را از مبادی ذی ربط استعلام نمایند و تنها استثناء بر این اصل، صرفاً در خصوص آیین نامه هایی است که به تصویب مقام معظم فرماندهی کل قوا در راستای استناد به مواد (۱۹۹) «ق.ا.ج.ا.» و (۲۸۸) «ق.م.ا.س.» و (۲۰۱) «ق.م.ا.ن.» می رسد که در صورت تعارض ظاهری با قانون، نه تنها قطعاً و بدون هیچ گونه شک و شبهه ای قابل اجرا می باشد، بلکه عیناً مطابق

قانون بوده و در این مورد، بحث تعارض آیین نامه با قانون، سالبه به انتفای موضوع می باشد.

۶) حتی المقدور سعی شود اعضای تشکیل دهنده هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر (عالی) دارای تحصیلات حقوقی باشند؛ چرا که صدور رأی در خصوص تخلفات کارکنان مستلزم شناخت قوانین و مقررات و مسائل حقوقی بوده و بدون اطلاع از آنها چه بسا که حق و حقوقی از افراد و یا بیت‌المال ضایع گردد و در صورت عدم امکان این امر، حداقل اعضای شرکت کننده در جلسات هیأت‌ها اعم از بدوی و تجدیدنظر قبل از برگزاری جلسه، نظرات کارشناسان حقوقی تحت امر را در خصوص موضوع مربوط جویا شوند و یا در صورت امکان، یکی از کارشناسان حقوقی تحت امر را به همراه خود به جلسه برده و عقیده و نظر او را در خصوص مسائل مربوطه اخذ نموده و به آنها اهمیت دهند که این امر قطعاً گام مؤثری در اتخاذ تصمیم مقتضی و صدور رأی عادلانه خواهد بود.

۷) نظر به اینکه رأی و نظر نماینده سازمان قضائی در جلسات هیأت‌های بدوی بسیار مؤثر و بعضی اوقات ملاک و مناط می باشد، چنانکه در مادتين (۱۳ و ۲۳) آیین نامه اجرایی مادتين (۱۰۴ و ۱۰۵) «ق.ا.ج.ا» و ماده (۱۳) آیین نامه اجرایی مواد (۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ا.ا» به این نکته اشاره شده است، که ماده اخیرالذکر به شرح ذیل می باشد:

«در صورتی که به تشخیص هیأت، مستند به نظر نماینده سازمان قضائی نیروهای مسلح، تخلف یا تخلفات صرفاً عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزائی را داشته باشد، رسیدگی متوقف و هیأت پرونده را جهت احاله موضوع به مرجع قضائی، به نیرو یا سازمان مربوطه ارجاع می نماید». مضافاً اینکه در بعضی از موارد منحصرأ حضور نماینده سازمان قضائی در جلسات

هیأت بدوی الزامی شده است، مانند: ماده (۵) آیین نامه اجرایی مواد (۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۱) «ق.م.ا.ا» که مقرر داشته است:

«جلسه هیأت با حضور حداقل چهار عضو رسمیت می یابد و رأی اکثریت اعضا ملاک عمل خواهد بود، در هر صورت حضور نماینده سازمان قضائی در هر جلسه الزامی می باشد». بنابراین شایسته است که در انتخاب نمایندگان سازمان برای شرکت در جلسات هیأت‌های بدوی، دو نکته ذیل مدنظر قرار گیرد:

الف) تسلط کافی به حقوق اسلامی و عرفی و کلاسیک.

ب) آشنایی وافی به تشکیلات، درجات و مشاغل نظامی.

ضمناً با توجه به اهمیت مسائل حقوقی در این گونه تصمیم گیریها، شایسته است در ابتدای جلسات، موضوعات مطرح شده از لحاظ حقوقی و از دیدگاهها و جوانب مختلف مورد بررسی قرار گیرند تا ضمن آشنایی سایرین با مسائل مفید حقوقی، بستر مناسبی نیز برای اصدار آرا و اتخاذ تصمیمات قانونمند ایجاد گردد.

۸) با عنایت به اینکه آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح در ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و وزارت دفاع به مورد اجرا گذارده می شود و با ملحوظ نظر قراردادن بحث مربوط به نقد و بررسی این آیین نامه که در مواردی با قانون مغایرت داشته و در پاره‌ای از مواد نیز ابهام دارد، و همچنین اعطای اختیارات ویژه به فرماندهان که بعضاً در عرض صلاحیت مراجع قضائی می باشد، مانند بحث اخراج از خدمت که حسب آیین نامه انضباطی به عنوان تنبیه است؛ لیکن حسب بعضی از مواد قانونی به عنوان مجازات (خواه مجازات اصلی یا تکمیلی یا تبعی) لحاظ شده است، مانند مواد (۵۸، ۹۳ و ۹۴) «ق.م.ج.ن.م.» که مجازات معافیت یا اعزام به ناحق مشمولان و همچنین مجازات جرایم ارتشا و اختلاس را حسب

شرایطی، اخراج از خدمت عنوان کرده است. لذا بر این اساس، شایسته است آیین نامه انضباطی با مدنظر قراردادن قوانین نیروهای مسلح، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و قانون مجازات اسلامی به صورت همه جانبه توسط کارشناسان دست‌اندرکار در نیروهای مسلح و مسلط به مسائل حقوقی و با مساعدت سازمان قضائی نیروهای مسلح، مورد بازنگری قرار گرفته و آیین نامه - انضباطی جامع و مانعی تدوین و تصویب گردد. ۹) با عطف توجه به اینکه جامعه نیروهای مسلح اعم از نظامی و انتظامی، واحد می باشند؛ لذا شایسته نیست که هر بخشی از این واحد، دارای قانون و آیین نامه خاصی برای رسیدگی به تخلفات نظامی و انضباطی باشند؛ چنانچه جامعه کشوری اعم از وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی همگی دارای یک قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ بوده، همچنین آیین نامه اجرایی آن نیز که مصوب ۱۳۷۳/۷/۲۷ هیأت وزیران می باشد، واحد است. بنابراین، وجود یک قانون و آیین نامه اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی برای جامعه نیروهای مسلح ضروری است تا از این رهگذر بتوان از این همه ناهماهنگی در قوانین مربوط و پراکندگی در آیین نامه‌های اجرایی ذی ربط اجتناب نمود و در عمل نیز وحدت رویه ایجاد گردد.

۱۰) در پایان با امعان نظر و مذاقه کافی در سطور گذشته، خاصه موارد مذکور در مبحث اخیر، مضافاً با رعایت این مسئله که نیروهای مسلح دارای یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و یک آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح بوده که هر دو در جامعه نیروهای مسلح ساری و جاری می باشند و معضلی نیز ایجاد نشده؛ لذا پیشنهاد می گردد، قانون مقررات استخدامی واحد و مشترکی که جامع و مانع نیز باشد برای کلیه نیروهای مسلح تدوین و تصویب شود.